

بررسی میزان رعایت
استاندارد حسابداری
شماره ۱۵ در شرکت‌های
سرمایه‌گذاری
پذیرفته شده در بورس
اوراق بهادار تهران

دکتر محمدحسن جنانی
محمود آصفی

واحدهای تجاری اغلب در سطح وسیعی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها به اشکال مختلفی صورت می‌گیرند. برخی در قالب اسنادی که بیان‌گر بدهی به دارنده آن‌هاست، ظاهر می‌شوند و دربردارنده سود تضمین‌شده حداقلی هستند (مثل اوراق مشارکت و سپرده‌های بانکی). برخی دیگر شامل نگهداری دارایی‌های ثابت مشهود است (مثل زمین و ساختمان) و بالاخره بخش عمده‌ای از آن‌ها در قالب مالکیت سهام یک واحد تجاری دیگر ظاهر می‌شوند که ممکن است با هدف نظارت واحد سرمایه‌پذیر یا با هدف انتفاع کوتاه‌مدت و مدیریت سبد سهام صورت پذیرند. شرکت‌های سرمایه‌گذاری در کشور ما عمدتاً با توجه به دو رویکرد اخیر، اقدام به سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها می‌کنند. منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها، فارغ از اهداف نظارتی آن، به دو صورت نصیب این شرکت‌ها می‌شود. یا به صورت منافع حاصل از دریافت سود سهام و افزایش سرمایه و یا به صورت کسب منفعت سرمایه‌ای ناشی از افزایش قیمت بازار این سرمایه‌گذاری‌ها.

در کشور ما، طی سال‌های ۸۳-۱۳۸۲ شاهد رشد بی‌رویه قیمت سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته‌شده در بورس تهران بودیم. به طوری که بخش عمده‌ای از رشد شاخص کل قیمت سهام را می‌توان ناشی از رشد شاخص مالی دانست. از نیمه‌های ۱۳۸۳ که روند نزولی قیمت‌های سهام به تدریج حرکت خود را آغاز کرد، بار دیگر سهم عمده سقوط شاخص کل قیمت‌ها را در سقوط شاخص مالی می‌توان مشاهده کرد. به طوری که شاخص کل از اواسط سال ۱۳۸۳ تا پایان سال ۱۳۸۴ حدود ۳۰ درصد نزول کرد، در حالی که سقوط شاخص مالی در همین دوره زمانی حدود ۵۰ درصد بود. سقوط شدید قیمت سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری در این دوره که تا ماه‌های اخیر نیز ادامه پیدا کرده است، فضای ناخوشایندی را در بین سرمایه‌گذاران ایجاد کرد، به طوری که برخلاف نظریه‌های مالی و روند حرکت سایر بورس‌ها در کشورهای دیگر، سرمایه‌گذاران

منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها، فارغ از اهداف نظارتی آن، به دو صورت نصیب این شرکت‌ها می‌شود. یا به صورت منافع حاصل از دریافت سود سهام و افزایش سرمایه و یا به صورت کسب منفعت سرمایه‌ای ناشی از افزایش قیمت بازار این سرمایه‌گذاری‌ها

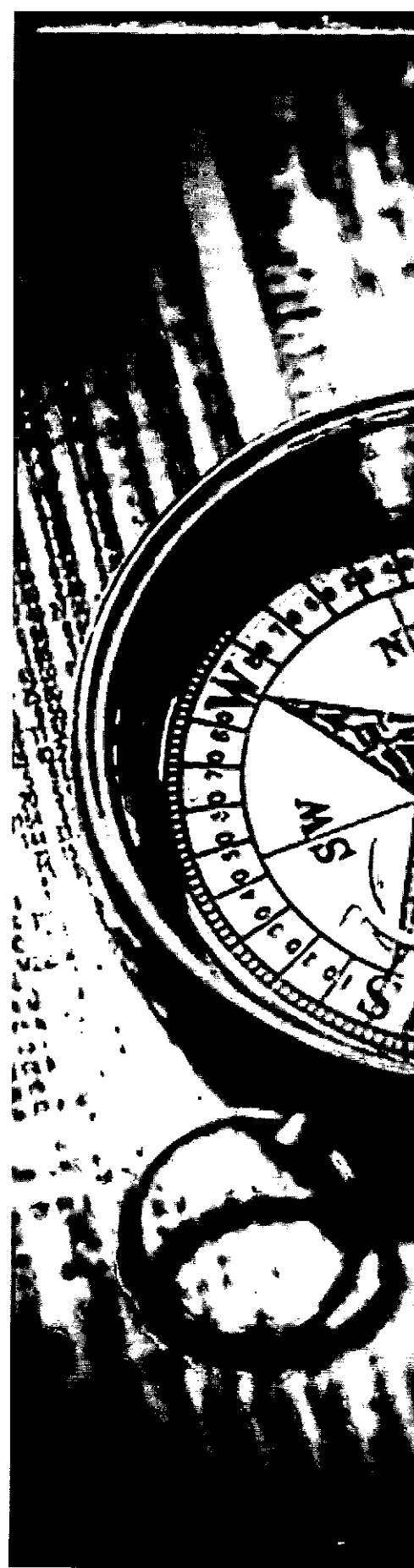
از خرید سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری خودداری کرده و فشار عرضه سهام این شرکت‌ها به شدت رو به فزونی نهاد. این شرکت‌ها در فرآیند گزارش‌گری مالی در سال‌های یادشده، در کنار الزامات قانونی که متعهد به اجرای آن بودند، رویکردهای متفاوتی را برگزیدند و تا حد امکان سعی در کاهش آثار و عوارض ناشی از کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های خود کردند. مقاله حاضر با نگاهی تحلیلی به این رویکردها، رعایت استانداردهای حسابداری لازم‌الاجرا را از سوی این شرکت‌ها بررسی می‌کند.

تعریف موضوع تحقیق

استاندارد حسابداری شماره ۱۵ ایران، سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها را به طبقات زیر تقسیم می‌کند:

الف- سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت:

طبقاتی از سرمایه‌گذاری‌ها هستند (اعم از سریع‌المعامله و غیر) که به قصد استفاده مستمر در فعالیت‌های واحد تجاری نگهداری می‌شود. به عبارتی سرمایه‌گذاری وقتی دارای غیرجاری طبقه‌بندی می‌شود که قصد نگهداری آن برای مدت طولانی به وضوح قابل اثبات باشد و با توانایی واگذاری آن توسط سرمایه‌گذار، منقول محدودیت‌هایی است. طبق استاندارد مذکور، ارزیابی و انعکاس سرمایه‌گذاری‌های یادشده در صورت‌های مالی (اعم از سریع‌المعامله یا غیر) به بهای تمام شده پس از کسر هرگونه ذخیره کاهش ارزش دائمی در ارزش



سرمایه‌گذاری و یا به مبلغ تجدید ارزیابی (با دوره تناوب یک‌سال) به عنوان یک نحوه عمل جایگزین می‌باشد. بدیهی است که مبلغ کاهش ارزش دائمی یادشده به حساب سود و زیان جاری منظور می‌شود.

ب- سرمایه‌گذاری‌های جاری: به طبقه‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها گفته می‌شود که بلندمدت نباشد. نحوه انعکاس سرمایه‌گذاری‌های جاری بدین صورت است. اگر سرمایه‌گذاری‌های جاری سریع‌المعامله تلقی شود به ارزش بازار یا اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش منعکس می‌شود. در این حالت تفاوت ارزش بازار با بهای تمام شده سرمایه‌گذاری در دوره جاری به سود و زیان منظور و یا تفاوت بهای تمام شده با خالص ارزش فروش سرمایه‌گذاری به زیان جاری منظور می‌شود. ضمناً مبلغ کل سرمایه‌گذاری‌های سریع‌المعامله که به عنوان دارایی جاری نگه‌داری می‌شود، باید بر مبنای مجموعه (پرتفوی) سرمایه‌گذاری‌های مزبور تعیین شود.

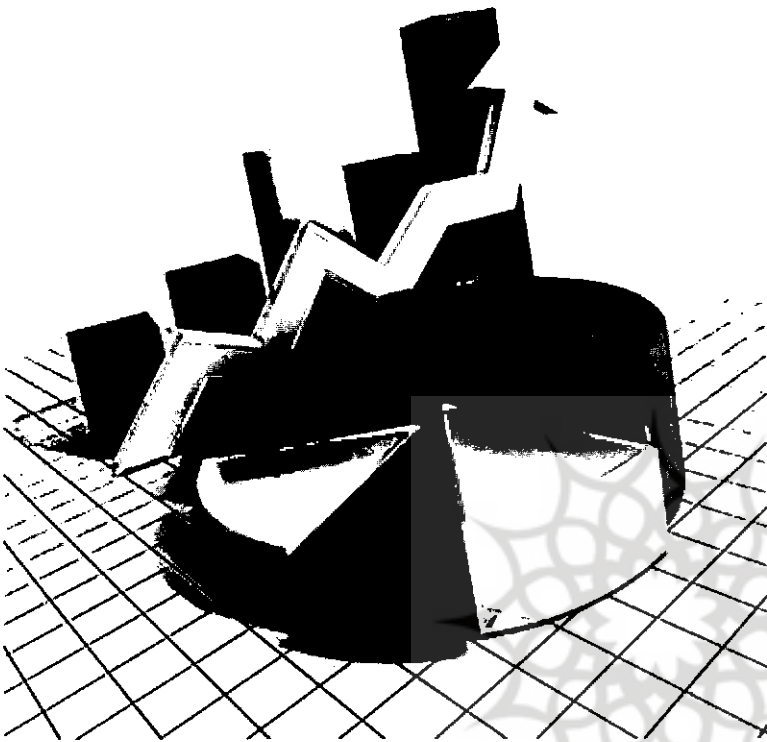
حال اگر سرمایه‌گذاری‌های جاری سریع‌المعامله تلقی نشود، به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش که تفاوت آن‌ها به زیان جاری برده می‌شود و یا تفاوت بهای تمام شده با ارزش بازار سهام که حسب مورد به سود یا زیان جاری منظور می‌شود، مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در این تحقیق، به طور اخص، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و سرمایه‌گذاری‌های جاری (به شرط سریع‌المعامله بودن) در مورد شرکت‌های سرمایه‌گذاری بورس تهران، مورد بررسی قرار گرفته است.

در مورد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، چنانچه مدیران شرکت متقاعد شوند که کاهش ارزش آن‌ها دائمی نیست، ذخیره‌ای در حساب‌ها منظور نکرده و در نتیجه سود شرکت بیش‌تر نشان داده می‌شود که این امر خلاف استاندارد شماره ۱۵ بوده و منجر به گمراهی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی خواهد شد. هم‌چنین در مورد سرمایه‌گذاری‌های جاری، چنانچه زیان شناسایی نشود، اشتباه فوق مجدداً تکرار می‌شود. از طرف دیگر تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها از کوتاه‌مدت به

بلندمدت نیز با هدف عدم احتساب ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها و بالا نشان دادن تصنعی سود نیز، خود می‌تواند رویه‌ای گمراه‌کننده باشد. تحقیق حاضر به بررسی این سه رویکرد در قالب فرضیه‌های تحقیق می‌پردازد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های مهم: شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس تهران، به منظور جلوگیری از کاهش قیمت سهام خسود در بورس، با اتخاذ رویکردهای متفاوت، مفاد استاندارد حسابداری شماره ۱۵ را رعایت نمی‌کنند.
فرضیه فرعی ۱: در صورت اعمال رویکرد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت با فرض کاهش ارزش دائمی و ذخیره‌گیری، EPS و قیمت سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.
فرضیه فرعی ۲: در صورت اعمال رویکرد



سرمایه‌گذاری‌های جاری و شناسایی زیان بابت کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها، EPS و قیمت سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.
فرضیه فرعی ۳: نحوه عمل شرکت‌های سرمایه‌گذاری، در جریان کاهش ارزش بازار سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها، تغییر طبقه‌بندی جاری به بلندمدت است.

اهداف تحقیق

در این تحقیق سعی می‌شود با بررسی آثار تنزل قیمت سهام طی سنوات ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ بر سبب سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ پذیرفته شده در بورس تهران، آثار این تغییرات بر سود جاری، EPS و قیمت سهام آن‌ها تعیین و ارزیابی شده و مشخص شود تا چه اندازه استاندارد حسابداری شماره ۱۵ رعایت شده است.

قلمرو و جامعه آماری تحقیق

قلمرو مکانی این تحقیق کلیه شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی تحقیق نیز صورت‌های مالی این شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ است.

نمونه تحقیق نیز کلیه اعضای جامعه آماری تحقیق طی سال‌های یادشده می‌باشد که نام آن‌ها و نیز پایان سال مالی این شرکت‌ها در جدول پیوست آمده است. لازم به توضیح است که از ۳۷ شرکت گروه واسطه‌گری مالی در این سال‌ها، ۷ شرکت به علت آن‌که فاقد سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بورس بوده‌اند، حذف شده و ۳۰ شرکت باقی‌مانده حجم جامعه و نمونه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند.

روش تحقیق

در این تحقیق از سه روش تحقیق موردی، توصیفی و تحلیل اسناد و مدارک استفاده شده است. روش موردی به منظور مطالعه عمیق و متمرکز گذشته، روش توصیفی به منظور توضیح خصوصیات جامعه و تحلیل اسناد و مدارک نیز برای اندازه‌گیری متغیرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین منظور از اطلاعات پرتقوی سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری بورس، بهای تمام شده موضوع سهم در مقاطع پایان سال مالی ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ محاسبه شده و با نرخ‌های روز تابلو بورس مقایسه می‌شود. در مورد فرضیه فرعی اول با فرض دائم بودن کاهش ارزش سهام در بورس تهران، چنان‌چه قیمت تمام شده سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت شرکت‌های مورد بررسی، بیش‌تر از قیمت آن‌ها در تابلو بورس در پایان سال مالی آن‌ها بوده و شرکت ذخیره‌ای از این بابت در حساب‌ها منظور نکرده باشد، به عنوان تائید فرض تحقیق و چنان‌چه ذخیره لازم را منظور کرده باشد و یا اساساً قیمت تمام شده سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، کم‌تر از قیمت آن‌ها در تابلوی بورس باشد، به عنوان عدم تائید فرض تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد.

در مورد فرضیه فرعی دوم تحقیق، درباره سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت سریع‌المعامله نیز، اگر قیمت تمام شده مجموعه پرتقوی

ردیف	نام شرکت	مقطع سال مالی
۱	شرکت سرمایه‌گذاری البرز (هلدینگ محصولات شیمیایی)	۱۲/۲۹
۲	شرکت سرمایه‌گذاری بوعلی	۶/۳۱
۳	شرکت سرمایه‌گذاری بانک ملی ایران (هلدینگ چندرشته‌ای صنعت)	۱۲/۲۹
۴	شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی (هلدینگ صنایع شیمیایی)	۳/۳۱
۵	شرکت سرمایه‌گذاری پارس نوشه (هلدینگ ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات)	۱۲/۲۹
۶	شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنایع بهشهر (هلدینگ محصولات غذایی)	۱۲/۲۹
۷	شرکت سرمایه‌گذاری دارویخش (هلدینگ محصولات شیمیایی)	۱۲/۲۹
۸	شرکت سرمایه‌گذاری زنا	۲/۳۰
۹	شرکت سرمایه‌گذاری سپه	۶/۳۱
۱۰	شرکت سرمایه‌گذاری ملت	۹/۳۰
۱۱	شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران	۹/۳۰
۱۲	شرکت سرمایه‌گذاری غدیر (هلدینگ چندرشته‌ای صنعت)	۹/۳۰
۱۳	شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه	۶/۳۱
۱۴	شرکت سرمایه‌گذاری صنعت و معدن	۶/۳۱
۱۵	شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران	۶/۳۱
۱۶	شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات (هلدینگ کانه‌های فلزی)	۱۲/۲۹
۱۷	شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان ایران	۶/۳۱
۱۸	شرکت سرمایه‌گذاری بارنستکی کشوری (هلدینگ چندرشته‌ای صنعت)	۶/۳۱
۱۹	شرکت سرمایه‌گذاری صنعت نفت (هلدینگ فرآورده‌های تصفیه نفت)	۱۲/۲۹
۲۰	شرکت سرمایه‌گذاری نوکا فولاد (هلدینگ فلزات اساسی)	۳/۳۱
۲۱	شرکت سرمایه‌گذاری بانک کارآفرین	۱۲/۲۹
۲۲	شرکت سرمایه‌گذاری توس گستر	۶/۳۱
۲۳	شرکت سرمایه‌گذاری توسعه آذربایجان	۶/۳۱
۲۴	شرکت بانک اقتصاد نوین	۱۲/۲۹
۲۵	شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنایع بهشهر ایران	۱۲/۲۹
۲۶	شرکت سرمایه‌گذاری نیرو	۶/۳۱
۲۷	شرکت بانک پارسیان	۱۲/۲۹
۲۸	شرکت سرمایه‌گذاری بهمن	۹/۳۰
۲۹	شرکت سرمایه‌گذاری آتیه دماوند	۱۲/۲۹
۳۰	شرکت سرمایه‌گذاری توسعه ملی	۹/۳۰

جاری، از قیمت تابلو مجموعه آن سهام بیش‌تر باشد و تفاوت به زبان جاری منظور نشده باشد، به منزله تائید فرض تحقیق و در غیر این صورت رد فرض تحقیق تلقی می‌شود.

در مورد فرضیه فرعی سوم نیز، با بررسی طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها در این شرکت‌ها، چنان‌چه یک مورد سرمایه‌گذاری خاص در سال قبل تحت سرفصل جاری و در سال بعد تحت سرفصل بلندمدت طبقه‌بندی شده باشد، این موضوع به عنوان تائید فرض تحقیق و در صورت عدم تغییر سرفصل جاری به بلندمدت، به عنوان رد فرضیه تحقیق تلقی می‌شود.

تجزیه و تحلیل اطلاعات و فرضیات تحقیق

در این پژوهش ۳۰ شرکت از برای

کفایت ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، کفایت ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و تغییرات طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها

از سرفصل کوتاه‌مدت به بلندمدت در سنوات ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در فرضیه فرعی اول تحقیق به عدم ذخیره‌گیری لازم برای کاهش ارزش دائمی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت شرکت‌های مورد پژوهش اشاره شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه طی سنوات ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به شرح زیر است:

سال ۱۳۸۳- از مجموع ۳۰ شرکت، ۱۲ شرکت ذخیره کاهش ارزش برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت خود در حساب‌ها ثبت نکرده‌اند و یا ذخیره منظور شده باتوجه به کاهش ارزش



در فرضیه فرعی دوم این تحقیق به عدم ذخیره‌گیری و عدم شناسایی زیان کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت شرکت‌های مورد پژوهش اشاره شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه طی سنوات ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به شرح زیر است:

سال ۱۳۸۳- در این سال از مجموع ۳۰ شرکت، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت ۲۲ شرکت دارای مجموع ارزش بازار بیش‌تر از بهای تمام شده بوده‌اند و نیاز به منظور کردن ذخیره کاهش ارزش نداشته‌اند. ۴ شرکت فاقد سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بوده‌اند. ۲ شرکت ذخیره کاهش ارزش موردنیاز را در حساب‌های خود منظور کرده‌اند و تنها ۲ شرکت ذخیره موردنیاز برای تطبیق بهای تمام شده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت خود را با ارزش بازار در حساب‌ها اعمال نکرده است. بنابراین فرضیه فرعی دوم در سال ۱۳۸۳ قابل تأیید نیست.

سال ۱۳۸۴- در این سال از مجموع ۳۰

سهام از کفایت لازم برخوردار نیست. ۱۲ شرکت فاقد سرفصل سرمایه‌گذاری بلندمدت در صورت‌های مالی خود بوده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ۳ شرکت دیگر به بهای تمام شده‌ای کم‌تر از ارزش روز بازار در صورت‌های مالی انعکاس یافته است و نیاز به محاسبه و ثبت ذخیره کاهش ارزش نبوده است.

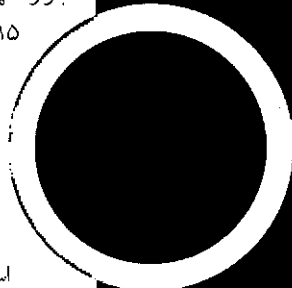
بنابراین در صورت حذف ۱۲ شرکت که فاقد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در صورت‌های مالی خود بوده‌اند، می‌توان فرضیه فرعی اول تحقیق در سال ۱۳۸۴ را نیز با قاطعیت تأیید کرد.

باتوجه به مراتب فوق و در راستای آزمون فرضیه اهم می‌توان نتیجه گرفت شرکت‌هایی که از رویکرد بلندمدت سرمایه‌گذاری استفاده کرده‌اند، ذخیره لازم ناشی از کاهش ارزش دائمی سرمایه‌گذاری‌های خود را منظور نکرده و از این برای مفاد استاندارد حسابداری شماره ۱۵ را رعایت نکرده‌اند.

بازار سهام از کفایت لازم برخوردار نیست. ۱۵ شرکت فاقد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در صورت‌های مالی خود بوده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ۳ شرکت باقی‌مانده باتوجه به ارزش بازار سهام نیاز به محاسبه و ثبت ذخیره نداشته است.

بنابراین در صورت حذف ۱۵ شرکت که فاقد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در صورت‌های مالی خود بوده‌اند، از ۱۵ شرکت باقی‌مانده، ۱۲ شرکت فاقد ذخیره و یا دارای ذخیره ناکافی بوده‌اند و می‌توان فرضیه فرعی اول تحقیق در سال ۱۳۸۳ را با قاطعیت تأیید کرد.

سال ۱۳۸۴- در این سال از مجموع ۳۰ شرکت، ۱۵ شرکت ذخیره کاهش ارزش برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت خود در حساب‌ها منظور نکرده‌اند و یا ذخیره منظور شده باتوجه به کاهش ارزش بازار



شرکت، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت ۱۴ شرکت دارای مجموع ارزش بازار بیش‌تر از بهای تمام شده بوده‌اند و نیاز به منظور کردن ذخیره کاهش ارزش نداشته‌اند.

۴ شرکت فاقد سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بوده‌اند، ۵ شرکت ذخیره کاهش ارزش لازم را برای کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در حساب‌ها منظور کرده‌اند و تنها ۷ شرکت باقی‌مانده ذخیره لازم را برای کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های

کوتاه‌مدت در حساب‌ها منظور نکرده‌اند، و یا ذخیره منظور شده از کفایت لازم برخوردار نبوده است. بنابراین فرضیه فرعی دوم در سال ۱۳۸۴ نیز قابل تأیید نیست.

باتوجه به مراتب فوق و در راستای آزمون فرضیه‌های مهم این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که قیمت تمام‌شده پرتقوی سهام کوتاه‌مدت اکثر شرکت‌ها کم‌تر از ارزش بازار مجموع این سرمایه‌گذاری‌ها است، و الزامی به محاسبه و ثبت ذخیره ندارند و تنها تعداد کمی از شرکت‌ها طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۵ برای کاهش ارزش بازار مجموع پرتقوی کوتاه‌مدت خود ملزم به محاسبه و ثبت ذخیره بوده و به این کار مبادرت نکرده‌اند.

در فرضیه فرعی سوم این تحقیق به تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به سرفصل سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و عدم رعایت استاندارد حسابداری ۱۵ در خصوص تغییر طبقه‌بندی اشاره شده است و این که شرکت‌ها با تغییر طبقه‌بندی مذکور از منظور کردن ذخیره کاهش ارزش برای سرمایه‌گذاری‌ها و تحمل زیان ناشی از آن خودداری می‌کنند. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه طی سنوات ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به شرح زیر است:

سال ۱۳۸۳ - در این سال از مجموع ۳۰ شرکت مورد پژوهش، ۲۷ شرکت اقدامی به تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها از سرفصل کوتاه‌مدت به بلندمدت نکرده‌اند و تنها ۳

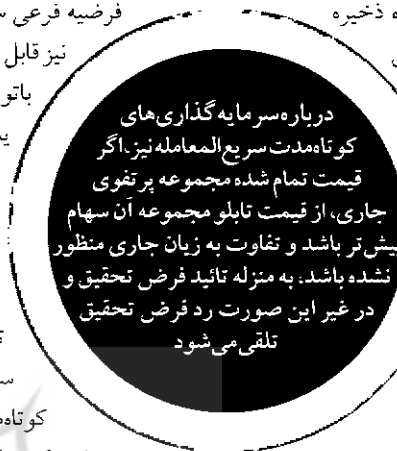
شرکت به تغییر طبقه‌بندی مذکور مبادرت کرده‌اند. بنابراین فرضیه فرعی سوم در سال ۱۳۸۳ قابل تأیید نیست.

سال ۱۳۸۴ - در این سال از مجموع ۳۰ شرکت، ۲۶ شرکت سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت خود را به سرفصل بلندمدت تغییر طبقه‌بندی نکرده‌اند و تنها ۴ شرکت به تغییر طبقه‌بندی مذکور مبادرت کرده‌اند. بنابراین فرضیه فرعی سوم در سال ۱۳۸۴ نیز قابل تأیید نیست.

باتوجه به مراتب یادشده و در راستای آزمون فرضیه مهم این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت مسئله تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در اکثر شرکت‌های مورد پژوهش موضوعیت نداشته تنها تعداد کمی از شرکت‌ها ظاهراً با هدف مذکور، به تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌های خود اقدام کرده‌اند.

نتیجه‌گیری نهایی

در یک نتیجه‌گیری کلی از ۳ فرضیه فرعی می‌توان گفت که اولاً شرکت‌های سرمایه‌گذاری طبقه‌بندی خود را از نوع سرمایه‌گذاری‌های (کوتاه‌مدت و بلندمدت) طی قلمرو زمانی تحقیق تغییر نداده‌اند و ثانیاً در مورد سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت نیز به دلیل آن‌که در اغلب موارد مجموع ارزش بازار این سرمایه‌گذاری‌ها بیش‌تر از مجموع قیمت تمام شده آن‌ها است، نیازی به ذخیره‌گیری نبوده است و ثالثاً در مورد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، اغلب شرکت‌ها ذخیره کاهش ارزش لازم را منظور نکرده‌اند. لذا در مجموع و به منظور آزمون فرضیه مهم در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌های سرمایه‌گذاری به منظور جلوگیری از کاهش ارزش سهام خود در بازار، بخشی از مفاد استاندارد حسابداری شماره ۱۵ مبنی بر منظور کردن ذخیره کاهش ارزش دائمی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را



رعایت نکرده‌اند.

پیشنهادهای تحقیق

۱. دائم یا موقت تلفی کردن کاهش قیمت سهام مسأله‌ای است که تاکنون در مجامع حرفه‌ای کشور مورد اجماع قرار نگرفته است. اطلاعات حاصل از این تحقیق می‌تواند ابعاد این مسأله را مشخص کرده و با افزودن اطلاعات تکمیلی برای حل مشکل مذکور، مورد استفاده قرار گیرد.

۲. از آن‌جا که اطلاعات حاصل از این تحقیق در خصوص الزام شرکت‌ها به محاسبه و ثبت ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری و ثبت یا عدم ثبت آن در صورت‌های مالی، می‌تواند مبنایی برای شناخت بیش‌تر و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران فراهم کند، پیشنهاد می‌شود این امر مورد مذاقه و نظارت بیش‌تری قرار گیرد تا حقی از سهام‌داران شرکت‌ها ضایع نشود.

۳. این تحقیق در مورد شرکت‌های سرمایه‌گذاری انجام شده، ولی باتوجه به آن‌که خیلی از شرکت‌های تولیدی و خدماتی بورس نیز در کنار فعالیت‌های اصلی خود، به خرید و فروش سهام می‌پردازند، می‌توان این تحقیق را در سطح کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که اقدام به سرمایه‌گذاری در سهام می‌کنند، انجام داد.

۴. برخی از شرکت‌های موضوع این تحقیق، شرکت اصلی، تعدادی شرکت فرعی هستند. در تحقیقات بعدی می‌توان پرتقوی سهام در سطح صورت‌های مالی تلفیقی شرکت‌های مذکور را مورد توجه قرار داد.

منابع و مآخذ

۱. استانداردهای حسابداری، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، نشریه شماره ۱۶۰ سازمان حسابرسی
۲. حسابداری سرمایه‌گذاری در سهام و اوراق بهادار، رضا نظری، نشریه شماره ۱۱۷ سازمان حسابرسی
۳. بررسی تطبیقی استانداردهای حسابداری، شهناز مشایخ، مجله حسابرسی شماره ۱۵
۴. استانداردهای حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها، جواد بستانیان، مجله حسابرسی شماره ۲۶.